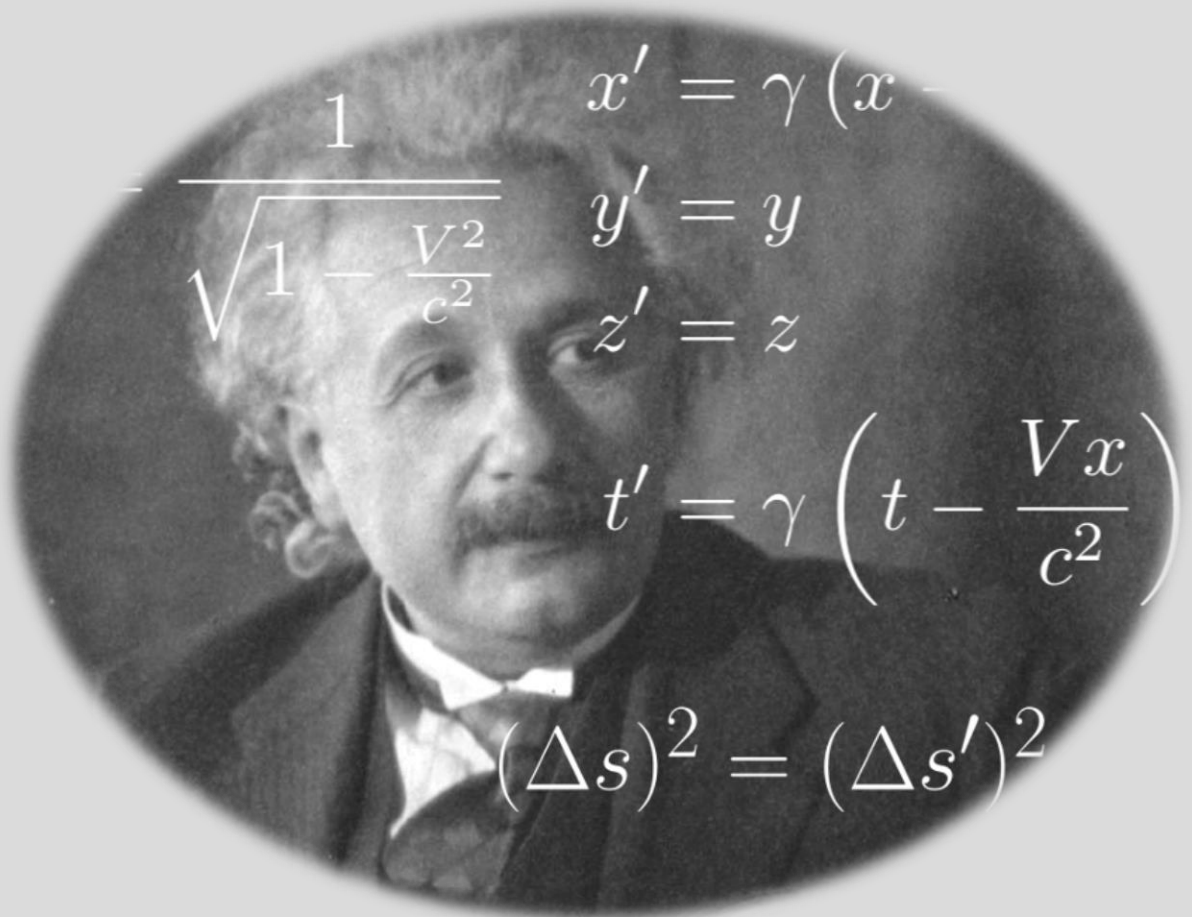


گنجینه سخنان
انیشتین

نوشته شده توسط
mxfile.ir

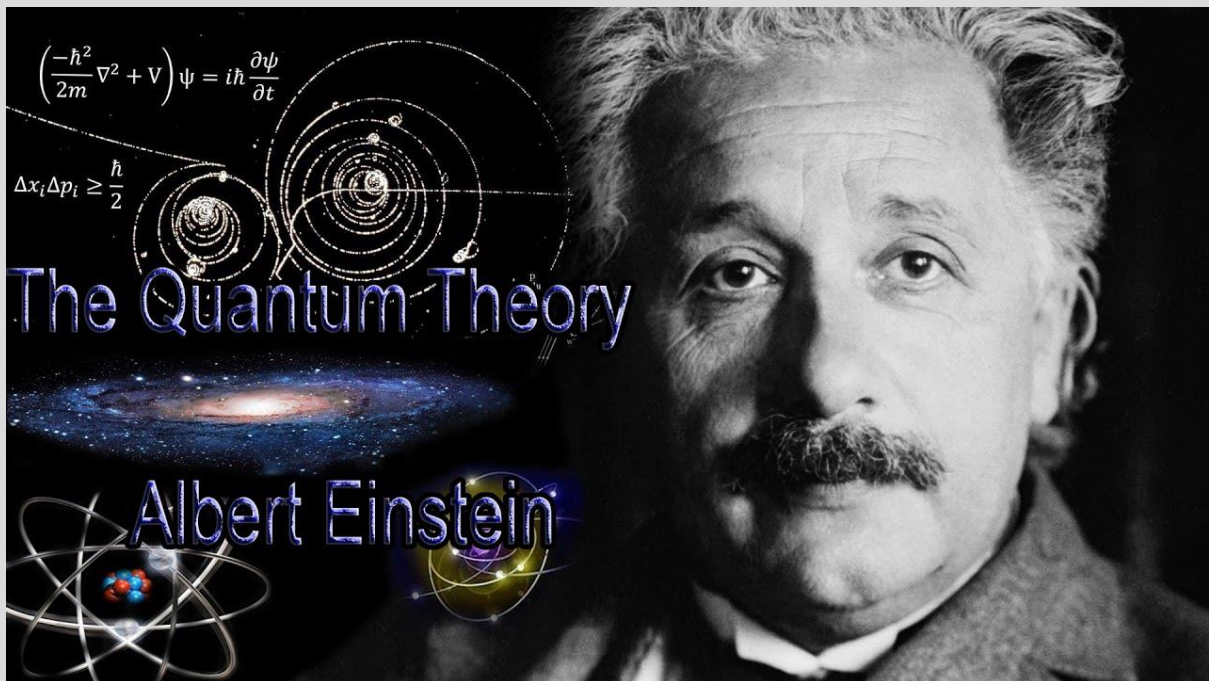
Reza Sabzi

سخنان ناب انیشتین



به نظر میرسد مشکل اصلی ما کمال خواهی در ابزارها و تداخل اهداف باشد .
 کسی که هیچگاه خطایی مرتکب نشده هرگز کار جدیدی را هم شروع نکرده است .
 سوالی که گاهی مرا گیج میکند این است که من دیوانه ام یا دیگران ؟
 میز ، صندلی ، ظرفی میوه و یک ویولن . انسان برای شاد بودن به چیز دیگری نیاز دارد ؟
 تمامی دانش ما ، در مقایسه با واقعیت ، ابتدایی و کودکانه است . ولی با این حال با ارزش ترین دارایی ما است .
 همه ادیان ، هنر ها و علوم شاخه های یک درخت هستند .
 شکم خالی مشاور سیاسی خوبی نیست .
 خشم در آغوش احمق ها خانه میکند .
 هر احمقی میتواند چیزها را بزرگتر ، پیچیده تر و خشن تر کند . برای حرکت در جهت عکس به

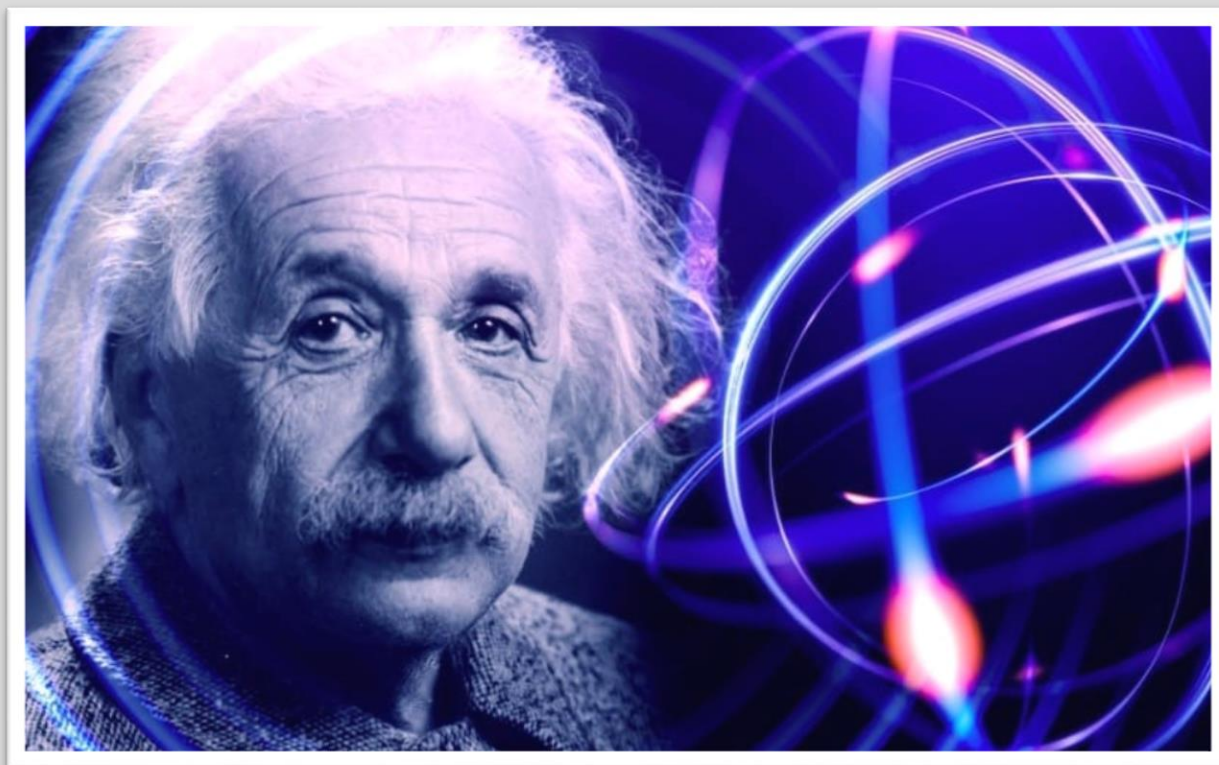
کمی نبوغ و مقدار زیادی جرات نیاز است .
 مردی که بتواند در حالی که دختر زیبایی را میبوسد با ایمنی رانندگی کند به بوسه اهمیتی را که سزاوار آن است نمیدهد .
 به کسی که حقیقت را در امور جزئی جدی نگیرد نمیتوان در امور بزرگ اعتماد نمود .
 اگر از من بپرسید میگویم که گناه در خلوت را به تظاهر به تقوا ترجیح میدهم .
 قوانین ریاضی در جایی که به واقعیت مربوط میشوند قطعی نیستند و وقتی قطعی باشند به واقعیت مربوط نمیگردند .



همه ما در پیشگاه خداوند به یک اندازه خردمند هستیم و به یک اندازه احمق .
 عقل سلیم یعنی مجموعه ای از پیش داوری ها که تا قبل از هیجده سالگی بدست آمده اند .
 توجه به انسان و سرنوشتش همواره باید انگیزه اصلی در تلاشهای فنی باشد . هیچگاه این را در حین رسم نمودارها و حل معادلات فراموش نکنید .
 به نظر من تداخل اهداف و کمال خواهی ابزارها مشخصه های زمان ما هستند .
 نگران مشکلات خود در ریاضیات نباشید . میتوانم به شما اطمینان دهم که مال من بزرگتر است .
 تحصیلات آن چیزی است که برای فرد ، پس از فراموش کردن آن چه که در مدرسه آموخته است ، باقی میماند .

هر چیزی را باید تا حد امکان ساده کرد ، اما نه ساده تر از آن .
هر چیزی که مهم باشد لزوماً قابل شمارش نیست . هر چیزی هم که قابل شمارش باشد لزوماً مهم نیست .
چقدر کم اند آنانی که با چشمهای خود میبینند و با قلبهای خود احساس مینمایند .
خداوند همیشه ساده ترین راه را برمیگزیند .
خداوند به مشکلات ریاضی ما اهمیتی نمیدهد . او به صورت عملی انتگرال میگیرد .
خداوند تاس نمیریزد .
نیروی جاذبه مسئول افتادن افراد در عشق نیست .
ارواح بزرگ همیشه با مخالفت خشونت آمیز ذهن های متوسط روبرو شده اند .
من آنقدر هنرمند هستم که در خیال خودم آزادانه ترسیم کنم . خیال مهم تر از دانش است .
دانش محدود است ، ولی خیال دنیا را در برمیگیرد .
نمیدانم ، اهمیتی هم نمیدهم ، فرقی هم نمیکند .
حوصله آن دسته از دانشمندانی را که یک تکه چوب بر میدارند ، نازکترین جای آنرا پیدا میکنند و تعداد زیادی سوراخ در آسانترین جای آن ایجاد مینمایند ندارم .
من هوش خاصی ندارم ، فقط شدیداً کنجکاوام .
من در چنان تنهایی زندگی میکنم که در جوانی دردناک است ولی در سالهای بلوغ فکری گوارا میشود .
نگران آینده نیستم ، خودش بزودی خواهد آمد .
ماهها و سالها فکر میکنم . در نود و نه مورد نتیجه گیری ام غلط است ، ولی در صدمین بار حق با من است .
دوست دارم افکار خدا را بدانم بقیه چیزها فقط جزئیات اند .
اگر A معادل موفقیت باشد آنگاه فرمول چنین می شود : $A=X+Y+Z$ که در آن X کار ، Y بازی و Z بسته نگه داشتن دهان است .
اگر میدانستم که قفل بازکن میشدم .
اگر مردم فقط بخاطر ترس از تنبیه خوب هستند و امید به پاداش دارند پس باید خیلی تاسف بخوریم .

اگر واقعیات با نظریات نمیخوانند واقعیات را تغییر دهید .



اگر میدانستیم چه میکنیم که به آن تحقیق نمیگفتیم ، میگفتیم ؟

تخیل مهمتر از دانش است .

در امور مربوط به حقیقت و عدالت فرقی بین مشکلات بزرگ و کوچک نیست . چون مسائل راجع به رفتار با مردم همگی یکسان هستند .

برای اینکه کسی عضوی معصوم از یک گله گوسفند باشد قبل از هر چیز باید خودش هم گوسفند باشد .

اطلاعات به معنی دانش نیست .

دیوانگی : انجام کاری دوباره و دوباره و انتظار نتایج متفاوت داشتن .

روشنفکران مشکلات را حل میکنند ولی نوابغ از بروز آنها جلوگیری مینمایند .

آیا عجیب نیست که من که فقط کتابهای غیر معروف نوشته ام این قدر معروف باشم ؟

اینکه فن آوری ما از انسانیت ما جلو زده است به طرز ترسناکی آشکار شده است .

اینکه کنجاوی از آموزش رسمی جان سالم به در میبرد واقعاً یک معجزه است .

تغییر ماهیت پلوتونیوم ساده تر از تغییر ماهیت روح شریر انسانی است .

روح فقط به افراد داده میشود .

اینکه تا به این حد در جهان شناخته شده باشی و تا این حد تنها باشی عجیب است .
باید بتوان قوانین فیزیک را به یک پیشخدمت توضیح داد .

دلیلش این نیست که من خیلی زرنگ هستم . دلیلش فقط این است که مدت بیشتری روی
مسائل کار میکنم .

لذت نگرستن و ادارک ، زیباترین هدیه طبیعت است .

به کاشتن بذرهای خود ادامه دهید ، چون هیچگاه نمیدانید کدامیک رشد خواهند کرد - شاید
همه شان .

آگاهی به آنچه که هست راه مستقیمی را به سوی آنچه که باید باشد نمیگشاید .

از دیروز درس بگیریید ، در امروز زندگی کنید و به فردا امیدوار باشید . مهم این است که از
پرسیدن باز نایستید .

منطق شما را از A به B میرساند ولی تخیل شما را به همه جا میبرد .

عمیقاً به طبیعت بنگرید ، پس از آن است که همه چیز را بهتر درک خواهید نمود .

عشق ، نسبت به وظیفه ، معلم بهتری است .

حافظه فریبکار است چون از وقایع روز رنگ میپذیرد .

اکثر اصول علمی اساساً ساده هستند و قاعدتاً باید بتوان آنها را به زبانی که برای همگان قابل
فهم باشد بیان نمود .

اکثر مردم میگویند که هوش است که یک دانشمند را برجسته میسازد ، اشتباه می کنند :
شخصیت است که این کار را میکند .

هرگز کاری بر خلاف وجدان خود نکنید ، حتی اگر قانون از شما بخواهد .

هیچگاه یک کنجکاو مقدس را از دست ندهید .

انبوهی از آزمایشها نمیتوانند ثابت کنند که من درست گفته ام ، ولی تنها یک آزمایش میتواند
ثابت کند که اشتباه گفته ام .

وقتی محدودیت های خود را بپذیریم میتوانیم از آنها عبور کنیم .

فقط دو چیز هستند که نهایت ندارند ، جهان و حماقت انسانها ، و تازه در مورد اولی هم مطمئن
نیستم .

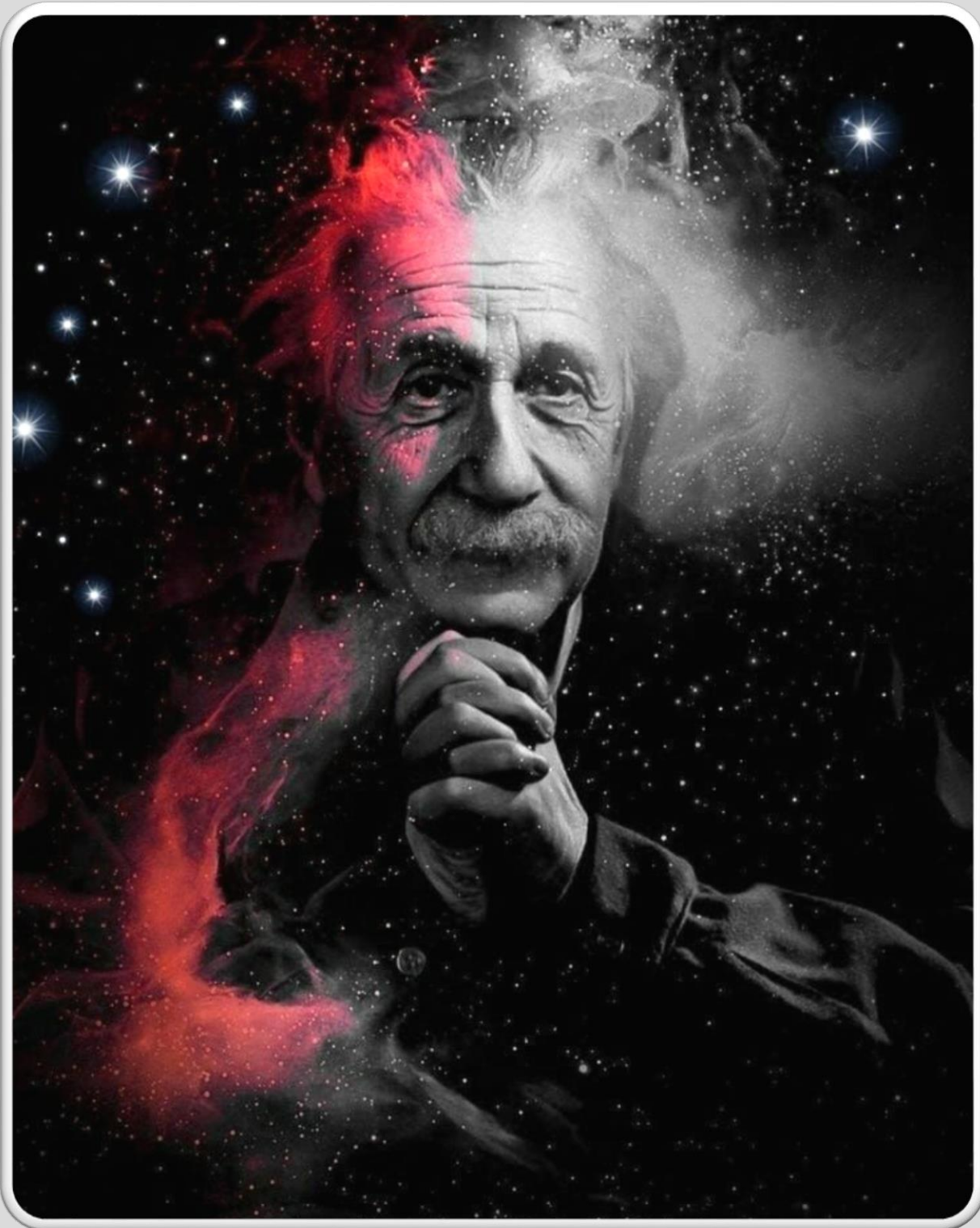


مردم عاشق شکستن چوب هستند ، این کاری است که نتیجه اش بلافاصله مشاهده میشود .
سیاست مربوط به زمان حال میشود ولی یک معادله تا ابد میماند .
ریاضی محض در واقع به شعر درآمدن نظرات منطقی است .
دست خود را یک دقیقه روی اجاق داغ بگذارید ، به نظرتان یک ساعت خواهد آمد . یک ساعت
در کنار دختری زیبا بنشینید ، به نظرتان یک دقیقه خواهد آمد . این یعنی نسبیت .
مطالعه ، پس از اینکه به یک سنی برسید ، ذهن را بیش از حد از کارهای خلاقانه دور میسازد .
هر کسی که بسیار بخواند و از مغزش خیلی کم استفاده کند دچار عادت تنبلیها ، یعنی تفکر ،
میگردد .

علم چیزی بسیار عالی است ، اگر آدم مجبور نباشد خرج زندگی اش را از آن درآورد .
چقدر کم هستند کسانی که با چشمان خود ببینند و با مغز خود بیاندیشند .
سعی نکنید موفق شوید ، بلکه سعی کنید با ارزش شوید .
تلاش برای ترکیب عقل و قدرت به ندرت موفقیت آمیز بوده است و آن هم فقط برای مدتی
کوتاه .

شیطان جریمه ای را با چیزهایی که در زندگی از آنها لذت میبریم همراه ساخته است . ما یا
سلامتی مان را از دست میدهیم یا روحمان را و یا اینکه چاق میشویم .
فرق بین حماقت و نبوغ این است که نبوغ حدی دارد .

محیط یعنی همه چیزهایی که جزئی از من نیستند .
هر چه سریعتر بروید کوتاهتر میشوید .
ترس از مرگ غیر عقلانی ترین نوع ترس است ، چون آدم مرده اصلاً در معرض خطر تصادف نیست .
آنچه که درک آن از همه مشکلتر میباشد مالیات بر درآمد است .
مهم این است که از پرسیدن باز نایستید .
هر چه نظریه کوانتوم بیشتر موفق میگردد احمقانه تر به نظر میرسد .
زیباترین چیز مرموزترین چیز است . این همان منبع همه هنرها و علوم واقعی میباشد .
غیر قابل درک ترین چیز در مورد دنیا این است که قابل درک میباشد .
تنها چیز با ارزش واقعی قوه الهام است .
تنها منبع دانش تجربه است .
تنها چیزی که در آنچه درک میکنم اختلال ایجاد مینماید آموخته هایم میباشد .
راز خلاقیت در این است که بدانید چگونه منابع خود را مخفی سازید .
تراژدی زندگی آن چیزی است که وقتی آدم زنده است در او میمیرد .



ارزش آدمی با آنچه که میدهد معلوم میشود نه با آنچه که میگیرد .
تمامی دانش چیزی بیش از پالایش افکار روزمره نیست .
درک تلگراف بیسیم مشکل نیست . تلگراف معمولی مثل یک گربه خلی دراز است . دمش را
در نیویورک میکشید و زبانش در لس آنجلس میو میو میکند . تلگراف بیسیم هم مثل همین
است ، فقط بدون گربه .
دنیا جای خطرناکی برای زندگی است . نه به خاطر مردمان شرور ، بلکه به خاطر کسانی که آن
شرارها را نگاه میکنند و کاری در مورد آن انجام نمیدهند .
فقط دو راه برای زندگی کردن وجود دارد . یکی این است که هیچ چیزی معجزه نیست . راه
دیگر این است که انگار همه چیز معجزه است .
زمانی می آید که ذهن به سطح جدیدی از دانایی میرسد ، ولی نمیتواند بگوید چگونه به آنجا
رسیده است .
نمیتوانیم از انسانیت ناامید شویم ، چون خودمان هم انسان هستیم .
نمیتوانیم مشکلاتمان را با همان ذهنیتی که آنها را ایجاد کردیم حل نماییم .
خیلی باید مواظب باشیم که عقل را تبدیل به خدا نکنیم ، البته قدرت دارد ولی شخصیت ندارد .
ضعف رفتاری تبدیل به ضعف شخصیتی میگردد .
وقتی راه حل ساده باشد یعنی اینکه خدا در حال پاسخ دادن است .
وقتی دنیا دیگر صحنه امیدها و آرزوهای شخصی ما نباشد ، وقتی ما با آن بصورت اشخاصی
آزاد ، ستایشگر ، پرسشگر و مشاهده گر روبرو شویم ، آنگاه است که وارد عرصه هنر و علم
میشویم .
کشتی هر کسی که خود را بر مسند قضاوت درباره حقیقت و دانایی بنشانند با خنده خدایان غرق
خواهد شد .
چرا این علم کاربردی که باعث صرفه جویی در نیروی انسانی میشود و زندگی را آسانتر میسازد
این قدر کم شادی به همراه دارد ؟ پاسخ ساده ای دارد : چون نیاموخته ایم که از آن استفاده
معقول ببریم .
احتیاجی به تفکر عمیق نیست . از زندگی روزمره هم میتوان فهمید که هر کسی برای دیگران
زنده است .

میرسید آیا دفترچه ای دارم که نظرات مهم خودم را در آن بنگارم . تا به حال فقط یکی داشته ام .

نمیتوانید همزمان از جنگ جلوگیری کنید و برای آن آماده شوید .

حیات آدمی وقتی آغاز میشود که او از خودش بیرون رود .

گاهی بعضی افراد بیشترین بها را برای چیزهایی میپردازند که دیگران آنها را به رایگان دریافت میکنند .

صلح را نمیتوان با زور حفظ کرد . دستیابی به آن تنها از طریق درک ممکن است .

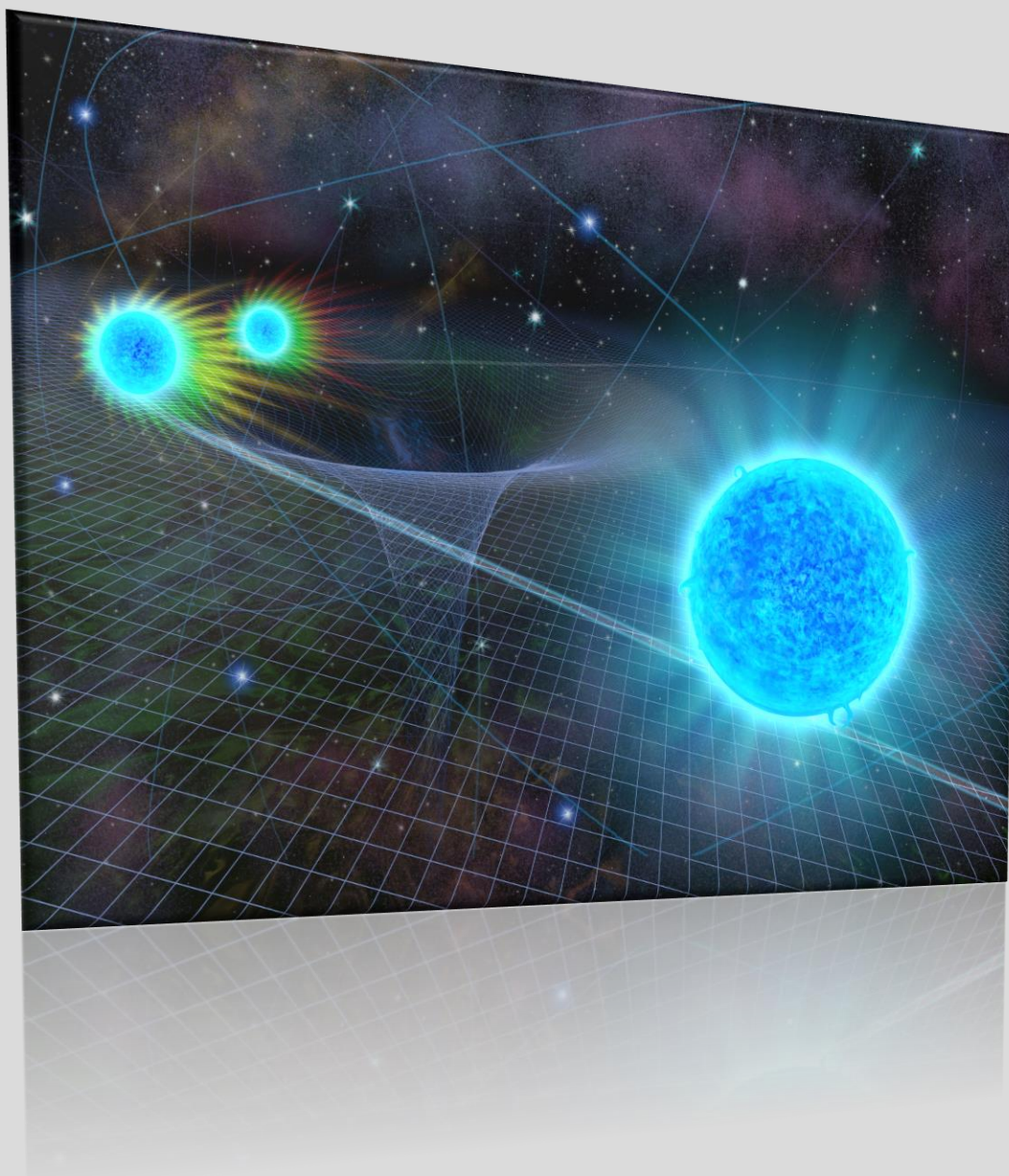
نمیدانم سلاحهای مورد استفاده در جنگ جهانی سوم چه خواهند بود ، ولی سلاحهای جنگ

جهانی چهارم چوب و سنگ خواهند بود .

نه ، این جوری نمیشود ... چگونه میخواهید یک پدیده مهم زیست شناختی ، مثل عاشق شدن

برای اولین بار ، را با عبارات شیمی و فیزیک توضیح دهید .

آزادسازی نیروی اتم همه چیز به جز شیوه تفکر ما را تغییر داده است .



یکی از قویترین عللی که منجر به ورود آدمی به عرصه علم و هنر میشود فرار از زندگی روزمره است .

اصلاً معنی ندارد . اشخاصی مثل ما که فیزیک را درک کرده اند میدانند که تفاوت گذاشتن بین گذشته ، حال و آینده تنها یک توهم دائمی و لجازانه است .

واقعیت فقط یک توهم است که البته خیلی ایستادگی میکند .

اغلب معلم ها وقت خود را با پرسیدن سوالهایی که هدف از آنها یافتن چیزهایی است که دانش آموز نمیداند تلف میکنند . هنر واقعی در پرسشگری آن است که ببینیم دانش آموز چه میداند و یا قادر به آموختن چیست .

هر گز آموختن را وظیفه ندانید ، بلکه موقعیتی برای درک زیبایی در عرصه روح است و برای این پدید آمده که شما از آن لذت ببرید و جامعه از کارهای آینده شما منتفع گردد .

آموزش باید به گونه ای باشد که آنچه ارائه می‌گردد هدیه ای با ارزش تلقی گردد ، نه یک وظیفه شاق .

بهتر است مردم مثل حیوانات باشند و از ضمیر خود بیشتر بهره ببرند . آنان نباید به هنگام انجام کاری نسبت به آن خیلی آگاه باشند .

زندگی با ارزش تنها از آن کسی است که برای دیگران زنده باشد .

با ارزش ترین چیزهای زندگی آنهایی نیستند که برایشان پول دریافت میکنیم .

کسی که قدر ارزشهای فرهنگی را میداند نمیتواند طرفدار صلح نباشد .

نمیتوانید همان طور که به یک اتومبیل علاقه دارید به اسب هم علاقه داشته باشید . اسب

احساسات انسانی را به نحوی برانگیخته میکند که اتومبیل قادر به آن نیست .

قبول داریم که افکار بر جسم تاثیر میگذارد .

از زندگی ام در سالهای پیری راضی ام . حس بذله گویی خود را حفظ کرده ام و نه خودم و نه بغل دستی ام را جدی نمیگیرم .

ذهن خلاق هدیه ای مقدس و ذهن حسابگر خدمتکاری صادق است . ولی ما جامعه ای ساخته

ایم که خدمتکار را گرامی میدارد و هدیه رافراموش نموده است .

اشخاصی مثل شما و من ، هر چند که مثل بقیه فانی هستیم ، ولی با گذر زمان پیر نمیشویم ...

همواره مثل کودکانی کنجکاو در برابر آن راز بزرگی که در آن زندگی را آغاز کردیم می ایستیم

به طرز مخوفی آشکار شده است که فن آوری ما از انسانیت ما پیشی گرفته است .

باید حداکثر توانمان را بکار گیریم . این مسئولیت مقدس و انسانی ما است .

وقتی بپذیریم که جهان چیزی است که در هیچ گسترش مییابد ، بستن نوارهای پیچازی به خود

آسان می‌گردد .

جستجوی حقیقت با ارزش تر از تصاحب آن است .

مثال زدن فقط یک راه دیگر آموزش دادن نیست ، تنها راه آن است .

شهرت باعث هر چه بیشتر احمق شدن من می‌گردد ، که البته پدیده متداولی است .

تنها دلیل وجود زمان این است که همه چیزها با هم اتفاق نیفتند .
عمیقاً معتقدم که اساس جهان زیبا و ساده است .
حقیقت آن چیزی است که از آزمون تجربه سربلند بیرون آید .

کلیسا دانشمندان را مرتد میدانست . ولی آنان حقیقتاً انسانهای متدینی بوده اند ، چون به نظم
جهان اعتقاد داشته اند .

اگر مجبور شوم نظریه نسبیت را در یک جمله خلاصه کنم میگویم که : زمان ، فضا و جاذبه
هویتی جدا از ماده ندارند .

شما به من بیسبال بیاموزید و من به شما نسبیت یاد خواهم داد ولی نه ، صبر کنید . شما
نسبیت را سریعتر از من که بیسبال می آموزم یاد خواهید گرفت .
زندگی مثل دوچرخه سواری است . برای حفظ تعادل باید حرکت کنید .
تا وقتی انسانها باشند جنگ هم خواهد بود .

به استاندارد ساختن اتومبیلها اعتقاد دارم ، ولی به استاندارد ساختن مردم نه .
برای شناختن یک کشور باید با خاک آن تماس مستقیم بیابید . نگرستن به دنیا از پشت شیشه
اتومبیل بیفایده است .

عاشق سفر هستم ، ولی از رسیدن متنفرم .
سیاست مشکل تر از فیزیک است .

از رفتن به جاهای شلوغ و ایراد سخنرانی متنفرم . از ایستادن در مقابل دوربینها و پاسخ به
سوالات متعدد متنفرم . اینکه افکار عمومی به من ، که یک دانشمند هستم و با مفاهیم انتزاعی
سروکار دارم و اگر تنهایم بگذارند خوشحال خواهم شد ، گیر میدهند یک جور بروز روانشناسی
توده ها است که من از درک آن عاجزم .

هنگامی که مهمانان سرشناسی به ملاقاتش آمده بودند و همسرش از او خواست لباس رسمی بپوشد :
اگر میخواهند مرا ببینند من اینجا هستم . ولی اگر میخواهند لباسهایم را ببینند درب کمد را باز
کنید و کت و شلوارهایم را نشانشان دهید .

به ریاضیات اعتقاد ندارم .

بدترین چیز نسل جوان این است که من دیگر به آن تعلق ندارم .
نمیتوان با آرام نشستن در جایی دور و بنی آدم را کرم حشره خواندن به کسی کمک نمود .
جایی که عشق باشد سوال نخواهد بود .
ما مثل بچه کوچکی هستیم که به کتابخانه عظیمی مملو از کتابهایی به زبانهای مختلف وارد
میشود . بچه میداند که یک کسی باید آن کتابها را نوشته باشد . نمیداند چگونه . زبان آنها را
نیز درک نمیکند . تنها حدس میزند که نوعی نظم مرموز در چیدن کتابها وجود دارد . ولی
نمیداند آن نظم چیست . به نظر من این طرز رفتار با هوش ترین انسانها در مقابل خداوند است
 . ما میبینیم که جهان به طرز شگفت انگیزی مرتب میشود و از بعضی قوانین پیروی میکند .
ولی تنها اندکی از این قوانین را میفهمیم . ذهن محدود ما نمیتواند نیروی مرموزی را که صور
فلکی را به حرکت در می آورد درک کند .

نوشته شده توسط تیم mxfile